

شناخت و اثرات آن روی

بجتهای مختلف علمی و فلسفی

را در پرتو همین افکار بلند و اصول مسلم فلسفه اسلامی مطرح کند، و نتایج درخشانی از آن اصول بگیرد.

مسائل مربوط به شناخت که در زبان عربی به آن «نظریة المعرفة» می گویند زیربنای تمام اندیشه های فلسفی و مکاتب علمی است و تا انسان تکلیف مسائل مربوط به شناخت را تعیین نکند و در این مورد نظریه قاطعی اتخاذ ننماید نمی تواند در مسائل مربوط به انسان و جهان رأی قاطع بدهد و این مطلب با تشریح «ارزش شناخت» که نخستین مساله از مسائل کلی شناخت است و هم اکنون مطرح می کنیم، روشن می گردد:

«شناخت شناسی» به صورتی که در این مقاله و مقالات آینده مطرح خواهد شد، بحث نوظهوری است که در این اواخر پی ریزی شده است، هر چند اصول و زیشه های مهم آن در فلسفه اسلامی در فصول مختلف مطرح می باشد.

در فلسفه اسلامی «شناخت» به صورت فصل مستقلی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است، ولی بسیاری از مباحث آن، در بحث های گوناگونی، مانند بحث: «وجود ذهنی» «تجرد نفس» «عقل نظری و عملی» مورد توجه قرار گرفته و از طرف دانشمندان اسلامی افکار بس بلندی در این موارد عرضه شده است و یک فرد محقق در فلسفه اسلامی می تواند، تمام مباحث مربوط به شناخت

ارزش شناخت شناسی یا ضرورت آن

نخستین بحث از مباحث مربوط به «شناخت» ، ارزیابی مسائل این دانش نو بنیاد است که امروز فکر گروهی را به خود جلب کرده است و حقیقت این بحث این است چرا درباره مسائل مربوط به شناخت بحث کنیم ، و این بحث چه رابطه ای با زندگی علمی ما دارد .

به این پرسش پاسخ هایی داده شده است که برخی را ، در آینده مطرح می کنیم روشن ترین پاسخ این است که گفته شود : شناخت شناسی بیانگر ارزش تمام افکار فلسفی و علمی انسان می باشد و تا مسائل مربوط به شناخت به صورت قطعی روشن نگردد هیچ مکتب فلسفی و علمی حائز ارزش نخواهد بود و این مطلب با مراجعه به فهرست مسائل مربوط به شناخت ، خود به خود روشن می گردد ، از باب نمونه :

امروز بشز شناختی کلی و فلسفی از جهان و انسان دارد ، هم چنانکه شناختی محدود نسبت به پاره از اجزاء جهان دارد ، آن جا که شناخت او از جهان به صورت کلی باشد و در قالب خاصی انجام نگیرد ، نام آن جهان بینی فلسفی ، و آن جا که شناخت او به صورت محدود و مربوط به پاره ای از اجزاء جهان باشد ، مانند خواص ظاهری جسم (فیزیک) یا خواص باطنی آن (شیمی) نام آن جهان بینی علمی است .

بشر با به کار انداختن دستگاه فکر و اندیشه ، علوم و فلسفه هائی را پایه گذاری کرده و امروز به وجود فلسفه ها و علومى مانند : انسان شناسی ، حیوان شناسی ، گیاه شناسی ، کیهان شناسی ، روان شناسی و ... افتخار می ورزد و می بالد و آن ها را با چیزی معاوضه و مبادله نمی کند .

شکی نیست که این مکاتب و علوم با «شناخت» توأم و همراه است و با آن پایان می پذیرد آنجا که می گوئیم :

جامعه شناسی ، زیست شناسی ، و غیره هر گاه مقام و موقعیت ارزش خود «شناخت» به صورت کلی با قطع از نظر از هر علم و فلسفه ای روشن نگردد ، چگونه می تواند آن مکاتب و علوم برای خود مقام و موقعیتی کسب کنند و حائز اهمیت گردند .

مثلا یکی از مباحث مهم شناخت شناسی این است که آیا جهانی خارج از ذهن انسان وجود دارد ، و یا این که دائره هستی منحصر به ذهن و ذهنیات است ، و جهان خارج از آن ، پنداری بیش نیست .

تا يك فرد محقق ، تکلیف این مساله را روشن نسازد ، چگونه می تواند مکاتب و علوم و معرفت های او ارزش پیدا کند ، و به وجود مکتب فلسفی و دانش خود ، بیابد و افتخار ورزد ، زیرا هر نوع بحث فلسفی برای يك فرد غیر ایدیه آلیست ، فرع ثبوت وجود جهان خارج از ذهن است ، همچنانکه هر نوع معرفت عامی ، مربوط به جزئی از جهان ، در صورتی موفقیت آمیز است که

پذیر نیست و اندیشه‌های علمی او را در زندگی یاری می‌کند .

به عبارت روشن‌تر: علوم و اندیشه‌های بشری، یا از آن نظر که علم از شرافت ذاتی برخوردار است ، و یا از آن جهت که انسان را در زندگی معنوی و مادی یاری می‌کند حائز ارزش می‌باشد و احدی در جهان در ارزشمندی علوم و افکار شك و تردیدی نکرده است هر چند در ارزش‌هایی آن، به یکی از دو وجه یاد شده (ارزش ذاتی علم - نقش علم در زندگی انسان) اختلاف نظر دارد، در این صورت ، شناخت مسائلی که موقعیت این علوم و افکار انسان ، و ارزشمندی آن را تعیین و تثبیت می‌کند، و روشن می‌سازد، باید از ارزش خاصی که ما نام آن را ارزش مقدمی می‌نامیم برخوردار می‌باشد و پس،

خلاصه : در نظر جامعه‌انسانی ، چیزی ارزشمند تر و گران‌تر و بالاتر از افکار و اندیشه‌های او، چه در زمینه اپیدئولوژی و چه در زمینه جهان‌بینی فلسفی و با جهان‌بینی علمی نیست و او هرگز این‌ها را به هر علتی که باشد (خوله از این نظر که علم و دانش در نظر او از ارزش ذاتی برخوردار است ، یا از این نظر که افکار و اندیشه‌های بشری او را در زندگی یاری می‌کند) با چیزی معاوضه نمی‌کند ، به فکر و اندیشه خود شدیداً علاقه مند است و از صمیم دل خواهان پنهان می‌باشد .

اندیشه‌های او در صورتی برای او ارزش دارد که مطمئن باشد که او در این دایره‌های

چنین جهانی وجود داشته باشد ، و در غیر این صورت ، پنداری بیش نخواهد بود .
نمونه دیگری از مسائل مهم شناخت این است که : بر فرض وجود جهانی خارج از ذهن ، آیا ارتباط انسان با جهان خارج ممکن است ، و یا در صورت امکان ارتباط ، پایه ارتباط او با خارج چه اندازه است آیا جهان را آن چنانکه هست درمی‌یابد ، و اندیشه‌های او به تمام معنی ، واقع‌نمای بوده و سرسوزنی از واقع تغلف نمی‌پذیرد ، یا اینکه انسان شبیهی را از خارج درک می‌کند و دریافت او از جهان ، نسخه مطابق اصل نبوده و تفاوت‌هایی ماهوی و ذاتی دارند .
و این همان بحثی است بنام «ارزش‌معلومات» که فکر دانشمندان را به خود جلب کرده است .

ناگفته پیداست تا امکان ارتباط انسان با جهان خارج ثابت نشود ، و در صورت ثبوت ارتباط ، مقدار واقع‌نمایی دانش و اندیشه بشری ، روشن نگردد ، چگونه می‌تواند ، «لوژی‌ها» و «شناخت‌های» فلسفی و علمی او که آن‌ها را تاج افتخار خود می‌اندیشد، ارزش پیدا کند . بنا بر این ، شناخت-شناسی مایه ارزشمندی ، تمام مسکاتب فلسفی، و علوم طبیعی و انسانی، و هر نوع اپیدئولوژی است ، که بشر برای آنها، ارزش خاصی ، (ارزش بدون چون و چرا) قابل است خواه از این نظر که معرفت ارزش ذاتی دارد، و یا از این نظر که زندگی معنوی و مادی انسان ، بدون این علوم و دانش‌ها امکان-

اگر ما ذهن خود را خوب نشناسیم و از توانین حاکم بر آن و عملکرد آن بی اطلاع باشیم ، طبعاً در تمام علوم و آگاهی‌های دچار اشتباه خواهیم شد .

مقام و موقعیت ذهن و دیگر ابزار شناخت کمتر از موقعیت دوربین عکاسی نیست ، و عکاس واقعی و هنرمند کسی است که از توانین حاکم بر آن ، به خوبی آگاه باشد تا در تصویر و عکس برداری خود دچار اختلال نگردد . و در تشخیص واقعیات اشتباه نکند .

آئینه‌های محدب و مقعر ، واقعیات را آن‌چنان که هست نشان نمی‌دهند و چه بسا انسان از دیدن صورت خود در آنها ، بو حشت افتاده و ناراحت می‌شود .

هر گاه انسان از خصایص آن‌ها آگاه نباشد ، چه بسا ممکن است کجی و معوجی را به حساب خود بگذارد ، و غرق در اشتباه گردد .

این جهات و جهات دیگر ايجاب می‌کند که ذهن خود و عملکرد آن را به خوبی بشناسیم و از توانین آنها وسیله‌ی شناخت خود را به خوبی آگاه باشیم و هرگز از تهمت‌هایی به نام ذهنی‌گرایی و یا ابده‌آیستی و خیال‌پردازی و احمه نداشته و پیوسته ذهن خود را ، جز وسیله درك واقعیات چیزی نینگاریم .

به آیست و ذهن گرا و هوچ گرا و پنداره گرا ایست ، و در غیر این صورت ارزش خود را از دست داده و بی ارزش جلوه خواهد کرد ، و این حقیقت در صورتی روشن می‌گردد و افکار و اندیشه‌های او در تمام زمینه‌ها سکه می‌شود که مسائل مربوط به شناخت به دقت مورد بررسی قرار گیرد ، بالاخص مسائلی که مربوط به ارزش معلومات انسانی و ابزار شناخت می‌باشد که اهم مسائل «شناخت» را تشکیل می‌دهد، به طور روشن تشریح شوند .

* * *

ضرورت شناخت شناسی

شناسی توانید ارزش شناخت را از طریق ضرورت شناخت شناسی به دست بیاورد ، زیرا هر نوع شناخت بنیادی و عمیقی ، بدون آگاهی از توانین حاکم بر ذهن امکان پذیر نیست .

توضیح اینکه : انسان تمام علوم و شناخت‌های خود را از طریق ذهن و ابزار ویژه آن ، تحصیل می‌کند ، و در حقیقت ذهن و مجموع ابزار آن ، وسیله‌ای است ، برای تحصیل شناخت و کسب آگاهی‌ها ، و برای رسیدن به این هدف باید در آغاز کار وسیله را خوب شناخت و از طرز کار و ویژگی‌ها و توانین حاکم بر آن کاملاً آگاه شد .

ملی (ع): خیر السياسات : العبد.

بهترین سیاستها، عدالت و دادگستری است.

محمدالحکم

سال بیست و یکم شماره ۱

بهترین روش سیاسی